

پایگاه تحلیلی «کریدل» بررسی می‌کند؛

عزم ایران و حزب‌الله برای شکستن محاصره آمریکا علیه لبنان

روی کار آمدن ابراهیم رئیسی خون تازه‌ای در رگ‌های محور مقاومت جاری کرده و ارسال سوخت از ایران به لبنان نشان می‌دهد تهران و حزب‌الله عزم خود را جزم کرده‌اند تا محاصره‌ی آمریکایی-صهیونیستی را بشکنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، اقدام اخیر ایران در اعزام نفتکش‌های حاوی سوخت به مقصد لبنان، نه تنها برای مردم لبنان که زندگی‌هایشان در آستانه‌ی فلج شدن قرار گرفته، بلکه برای تهران نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. حمایت مستقیم ایران از لبنان به درخواست یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ایش، به تحکیم محور مقاومت و اثبات وفاداری تهران به اعضای این محور منجر می‌شود. در حالی که جمهوری اسلامی از طریق حمایت نظامی از سوریه، پشتیبانی از انصارالله یمن، و کمک تسلیحاتی-تجهیزاتی به نیروهای نظامی هم‌پیمان یا نیابتی‌اش پیشاپیش اثبات کرده است که در میدان مبارزه پشت دوستانش را خالی نخواهد کرد، رساندن سوختی به لبنان که به دلیل محرومیت از آن بیمارستان‌های این کشور به تعطیلی کشیده شده و ده‌ها نفر جان خود را از دست داده‌اند، نشان ثابت می‌کند ایران در میدان‌های دیگر نیز از متحدانش دفاع خواهد کرد.

در سطح محدودتر و در زمین بازی پیچیده‌ی سیاست در لبنان نیز تهران و حزب‌الله عزم شکستن محاصره‌ی این کشور را کرده‌اند تا نقشه‌های آمریکایی-صهیونیستی را ناکام بگذارند. در حالی که بحران سیاسی-اقتصادی در لبنان همچنان ادامه دارد و متأسفانه دولت این کشور توان رفع نیازهای اساسی مردم را ندارد، حزب‌الله وادار شده تا علاوه بر مأموریت‌های دفاعی، مسئولیت تأمین دست‌کم بخشی از این نیازها را نیز به عهده بگیرد.

پایگاه اینترنتی «کریدل» طی گزارشی تحت عنوان «حزب‌الله عزم کرده محاصره‌ی آمریکا علیه لبنان را بشکند» به موضوع صادرات سوخت از ایران به لبنان پرداخته است. این پایگاه تحلیلی که نام خود، به معنای «گهواره»، را از عبارت «گهواره‌ی تمدن» و در اشاره به منطقه‌ی غرب آسیا گرفته، در این گزارش همچنین توضیح می‌دهد که چگونه روی کار آمدن ابراهیم رئیسی در ایران، خون تازه‌ای در رگ‌های محور مقاومت به جریان انداخته است. آنچه در ادامه می‌خوانید، ترجمه‌ی گزارش کریدل است.

ابراهیم رئیسی و خون تازه در رگ‌های محور مقاومت

ایران اولین نفتکش‌هایش را برای کمک به حل بحران نفت و بنزین در لبنان، در نتیجه‌ی دو سال فروپاشی اقتصادی، به مقصد این کشور روانه کرده است. پس از درخواست سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، برای دریافت سوخت، تهران مشتاقانه به کمک کشوری شتافت که تحت تحریم‌های شدید غیرمستقیم آمریکا قرار دارد؛ تحریم‌هایی که با هدف تضعیف محور مقاومت طراحی شده‌اند. هنگامی که نفت ایران به مقصد نهایی‌اش برسد، همچنان چالش‌هایی در زمینه‌ی تحویل و توزیع این نفت در داخل لبنان وجود خواهد داشت، زیرا مسیر این تحویل و توزیع به طور کامل تحت کنترل جنبش مقاومت لبنان نیست. با این وجود، اکنون حزب‌الله راهی برای کاهش فشارها و حذف تهدیدهای جدی‌ای پیدا کرده است که ممکن بود موانع جدی‌ای بر سر راه تحویل این محموله‌ها باشند.

ابتدا ارائه‌ی برخی توضیحات به عنوان پیش‌زمینه لازم است. از زمان انتخاب سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، ائتلاف محور مقاومت (متشکل از ایران، سوریه، حزب‌الله، حماس، گروه‌های عراقی و یمنی، و برخی گروه‌های دیگر) به‌رغم تحریم‌های شدید علیه تهران، تغییر مثبتی در زمینه‌ی حمایت‌های مالی احساس کرده است.

انتظار می‌رود «جهان‌بینی مقاومت» رئیس‌جمهور جدید ایران، هم در داخل و هم در میان متحدان این کشور احساس شود؛ متحدانی که همگی از تحریم‌های تنبیهی آمریکا با هدف انزوای ایران رنج می‌برند. از غزه گرفته تا لبنان، عراق، سوریه و یمن، متحدان عضو محور مقاومت تحت تحریم‌ها یا محاصره‌ی آمریکا قرار گرفته‌اند؛ کارزارهایی که با دقت تمام به گونه‌ای طراحی شده‌اند که باعث رنج و محرومیت مردم شوند تا جمعیت را علیه این محور بشورانند.

در غزه، سازمان منفور تشکیلات خودگردان فلسطین مأمور شده است تا با هدف تضعیف مقاومت فلسطین (متشکل از حماس و «جهاد اسلامی فلسطین») کمک‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به دست فلسطینیان غزه برساند. در عراق، اوامر آمریکا، بغداد را دچار یک وضعیت مالی غیرقابل‌تحملی کرده‌اند؛ عراق نمی‌تواند آزادانه با همسایگانش تجارت کند، و از ترس آمریکا مجبور است سرمایه‌گذاری‌های قدرتمند بزرگ دیگر، مانند چین، را نیز رد کند. در یمن، آمریکا و عربستان محاصره‌ای جنایتکارانه و غیرانسانی را علیه هم فرودگاه و هم بندر صنعا اعمال کرده‌اند. در سوریه، آمریکا «لایحه‌ی سزار» [قانون تحریم دولت سوریه، از جمله بشار اسد، رئیس‌جمهور این کشور] را وضع کرده، فرصت‌های اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری این کشور را از میان برده و علناً نفت سوریه را سرقت کرده است.

مأموریت حزب‌الله برای نجات لبنان

به دنبال شکست اسرائیل در تضعیف یا شکست حزب‌الله در جنگ سال ۲۰۰۶، پیروزی محور مقاومت در جنگ سوریه، و نفوذ فزاینده‌ی نفوذ نظامی و استراتژیک حزب‌الله، آمریکا سیاست تحمیل گرسنگی به لبنان و بی‌ثبات‌سازی اقتصاد این کشور را اتخاذ کرد. جعبه‌ابزار آمریکا دیگر خالی شده است؛ به

استثنای همین آخرین سلاح تحریم و محاصره. حزب الله به تنهایی نمی‌تواند مردم لبنان را نجات دهد؛ دلیل اصلی وجود مقاومت لبنان، مقابله با حملات دشمنان خارجی و جبران برخی از نیازهای اجتماعی‌ای است که دولت لبنان چندین دهه است از آن‌ها غافل شده است، اما در موقعیتی نیست که تمام مسئولیت‌های دولت را به عهده بگیرد.

با این حال، سید حسن نصرالله قول داد که جلوی محرومیت دسته‌جمعی [مردم لبنان] از دسترسی به کالاهای اساسی را بگیرد؛ تا حدی به خاطر این‌که از سقوط کامل دولت و، در نتیجه، تسلیم آن در برابر توطئه‌های اسرائیل جلوگیری کند.

اسرائیل از آمریکا می‌خواهد یک کار غیرممکن را انجام دهد: فشار علیه لبنان با هدف خلع سلاح حزب الله و از سرگیری مذاکرات بر سر مرز مورد مناقشه در دریای مدیترانه برای استخراج گاز. مقامات لبنانی نسبت به منطقه‌ی وسیعی مدعی هستند که بخشی از میدان گازی کارپش محسوب می‌شود؛ جایی که اسرائیل به طور غیرقانونی به یک شرکت یونانی حق اکتشاف داده است. بسیاری از فرستادگان آمریکا در شکل‌گیری این تردستی نقش داشتند؛ از جمله بیل برنز، رئیس سی‌آی‌ای که اخیراً به لبنان سفر کرد و خواستار آن شد که بیروت مذاکرات تعلیق‌شده‌اش با اسرائیل در زمینه‌ی این میدان گازی را از سر بگیرد.

در همین حال، لبنانی‌ها به نظام بانکی‌ای که حدود دو سال قبل پس‌اندازهای یک عمرشان را مصادره کرد، بانک مرکزی‌ای که تحت حمایت آمریکا به سقوط پول داخلی لبنان کمک کرد، بی‌اعتماد شده‌اند. دولت ورشکسته‌ی لبنان نیز به نوبه‌ی خود اکثر یارانه‌های بنزین مورد نیاز برای فعالیت بیمارستان‌ها، نیروگاه‌های برق، حمل‌ونقل و نانوی‌ها را از حذف کرده است. به لطف نبود حمل‌ونقل عمومی سازمان‌دهی‌شده، مردم روزها به امید تهیه‌ی بنزین برای تردد روزمره‌یشان در صف می‌ایستند.

آمریکا در مورد تأثیر محاصره‌ی اقتصادی‌اش بر مرکز پزشکی دانشگاه آمریکایی بیروت نیز سکوت کرده است؛ در حالی که دستگاه‌های تنفسی و سایر لوازم پزشکی ضروری برای نجات جان بیماران به علت کمبود سوخت از کار افتاده‌اند. این کمبود شدید باعث شد تا حزب الله در اقدامی غیرعادی، به مردم لبنان غذا و دارو ارائه کند و اخیراً اعلام کند قصد دارد برای جلوگیری از تعطیلی بیمارستان‌ها سوخت تأمین کند.

موشک‌های مافوق صوت حزب الله، توازن ترور و معادلات بازدارندگی

اما اوضاع پیچیده است. پیاده شدن محموله‌ی نفتکش‌های ایرانی در لبنان، آبروی دولت لبنان را می‌برد و به آمریکا فرصت می‌دهد تا تحریم‌های مستقیم علیه این کشور اعمال کند. آمریکایی‌ها تا این‌جا کار با خشکاندن منشأ ورود ارز خارجی، جلوگیری از دسترسی مردم به پس‌اندازهایشان، و جلوگیری از هرگونه حمایت بین‌المللی از لبنان در سطح منطقه‌ای، به هدف خود در محاصره‌ی کامل این کشور بسیار نزدیک شده است. به علاوه، از آنجایی که مقامات لبنان در ترس دائم از تحریم‌های آمریکا یا اروپا زندگی می‌کنند، از پذیرش حمایت‌های چین یا روسیه‌برای کمک به لبنان از طریق تأمین پالایشگاه و دیگر زیرساخت‌های حیاتی نیز خودداری کرده‌اند. به همین خاطر هم هست که حزب الله به دنبال اجتناب از مقابله با این عناصر لبنانی است که یا از آمریکا حمایت می‌کنند یا از آن می‌ترسند. در نهایت نیز تصمیم بر این شد که برای از بین رفتن بخشی از این نگرانی‌ها، نفتکش‌های حامل سوخت ایران به جای لبنان به سوریه بروند.

حل چالش‌هایی که لبنان طی دو سال گذشته با آن‌ها روبه‌رو شده، خارج از توان ایران است. این کشور نمی‌تواند تمام بار اقتصاد لبنان را به تنهایی به دوش بکشد. حزب الله نیز توان آن را ندارد که تمام نیازهای یک کشور در حال فروپاشی را برآورده کند. با این وجود، اکنون دست‌کم بنزین و گازوئیل از طریق مرزهای رسمی سوریه و لبنان وارد کشور خواهد شد.

به گفته‌ی منابع آگاه «حزب الله قصد دارد تمام مالیات‌های مقرر را برای واردات قانونی بنزین و گازوئیل به کشور بپردازد. علاوه بر این، تمهیدات جدیدی نیز اندیشیده شده است، چراکه مسیر انتقال سوخت از سوریه به لبنان از مناطقی می‌گذرد که تحت کنترل حزب الله نیستند. قرار است همه‌ی شهرها و روستاهای مسیحی، سنی، درزی و شیعه‌ای که بنزین وارد شده در مسیر بیروت و جنوب لبنان از آن‌ها عبور می‌کند، سهم‌شان را طبق اولویت‌های تعیین‌شده دریافت کنند.»

منابع مذکور می‌گویند: «بیمارستان‌ها و آزمایشگاه‌های پزشکی اولین دریافت‌کنندگان نفت ایران خواهند بود. نانوی‌هایی هم که گازوئیل کافی ندارند، صرف‌نظر از جهت‌گیری سیاسی‌شان به نفع یا علیه حزب الله مورد حمایت قرار خواهند گرفت. انتظار می‌رود این روش تقسیم نفت ایران، برای جلوگیری از هرگونه اقدامی توسط مردم مخالف [با حزب الله] جلوگیری کند و مانع از اقدام سیاستمداران ضد حزب الله به مسدود کردن جاده‌ها و کشاندن این حزب به یک درگیری داخلی شود. شهرها یا روستاهایی هم که تمایلی به بهره‌مندی از نفت ایران ندارند، وادار به دریافت آن نخواهند شد.»

به گفته‌ی این منابع «خطر حمله‌ی اسرائیل به خطوط تأمین [سوخت لبنان] تقریباً یا تحقیقاً صفر است. حزب الله می‌داند چگونه با آماده‌سازی موشک‌های سطح‌به‌سطح مافوق صوتش «توازن ترور» و «معادلات بازدارندگی» را برقرار کند. در صورت حمله‌ی اسرائیل به نفتکش‌های ایرانی، حزب الله بدون توجه به واکنش‌های اسرائیل یا آمریکا، از حمله به تجهیزات نفتی یا خود بندر حیفا دریغ نخواهد کرد. مقامات آمریکا و اسرائیل نیز از ظرفیت‌ها و عزم حزب الله آگاه هستند. در واقع، اعتماد به نفس حزب الله آن قدر هست که دبیرکل این حزب علناً از عزیمت دست‌کم سه نفتکش به سوی لبنان خبر داده است.»

عزم ایران و حزب الله برای شکستن محاصره‌ی لبنان

لبنان سالانه به بنزین و گازوئیلی به ارزش پنج میلیارد دلار نیاز دارد. دولت این کشور پیشنهاد روسیه برای ساخت دو پالایشگاه نفت، یا تعدادی بیش‌تر، در مناطق مختلف این کشور برای پاسخ‌گویی به نیازهای محلی را رد کرده است. به‌رغم سقوط ارزش پول لبنان، ایران حتی حاضر شده بود در ازای صادرات بنزین به لبنان، لیر لبنان را، که ارزشش کاهش یافته، دریافت کند. اما این پیشنهاد نیز به دلیل ترس از واکنش واشینگتن رد شد.

با این حال، تصمیم حزب‌الله برای واردات سوخت از ایران این ترس را زیر پا گذاشته و در عین حال خطرات واکنش احتمالی آمریکا را نیز محاسبه کرده است. مقدار بنزین و گازوئیلی که به لبنان تحویل داده شده، مسلماً برای تأمین تمام نیازهای این کشور کافی نیست. با این حال، اگر همه چیز خوب پیش برود، تصمیم حزب‌الله برای واردات نفت از ایران تنها قدم اول است.

شکی نیست که ایران و حزب‌الله تصمیم گرفته‌اند محاصره‌ی لبنان را بشکنند و اوامر آمریکا و اسرائیل را به چالش بکشند. اما باید توجه داشت که این اولین باری نیست که چنین کاری صورت می‌گیرد. ایران پیشاپیش با ارسال نفتکش و قطعات یدکی پالایشگاه به ونزوئلا، در حیات خلوت خود آمریکا، واشینگتن را بدون هیچ‌گونه پیامدی به چالش کشیده است. تهران همچنین به‌رغم تحریم‌های آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا، نفت و سایر اقلام حمایتی را به سوریه اعزام کرده است. اگرچه مسیر تأمین تا لبنان هنوز آزمایش مهمی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، اما اگر اسرائیل به نفتکش‌های ایرانی تعرض کند، تهران تخصص و کنترل کافی بر آب‌های مختلف را دارد تا بتواند دست به ضدحمله بزند و آسیب متناسبی به آن‌هایی وارد کند که به کشتی‌هایش حمله می‌کنند.

تهران نمی‌خواهد متحدانش به دلیل تصمیم‌های سیاسی‌شان با نیازهای اساسی دست‌وپنجه نرم کنند. به نفع ایران و حزب‌الله نیست که ببینند لبنانی‌ها مقابل هم صف بسته‌اند، برای بقا و تأمین نیازهای اساسی‌شان می‌جنگند، و از مسائل اصلی منطقه منحرف شده‌اند.

حمایت از آرمان فلسطین، مقابله با جاه‌طلبی‌های اسرائیل در لبنان، و شکستن هژمونی آمریکا در منطقه باید در صدر همه‌ی اولویت‌های محور مقاومت باشند. در عرض تنها چند هفته، نفت ایران به سوریه و سپس لبنان می‌رسد. بسیاری از کشورهای منطقه و جهان منتظرند و نگاه می‌کنند که ببینند چه اتفاقی می‌افتد. اگر این مأموریت موفقیت‌آمیز باشد، لبنانی‌ها می‌توانند دوباره امیدوار شوند که بخشی از مشکلات اضطراری‌شان حل شود. در این صورت، بی‌شک محبوبیت حزب‌الله به لطف مبارزه با نقشه‌ی اسرائیل و آمریکا برای محاصره‌ی لبنان افزایش خواهد یافت؛ و محور مقاومت بار دیگر در تبدیل تهدید به فرصت، موفق خواهد بود؛ موفقیتی که مهر تأییدش پهلو گرفتن ایمن نفتکش‌های حامل سوخت ایران در مقصد نهایی‌شان است.

منبع: مشرق نیوز